



نامه نظام پزشکی به سردار رادان

محمد رئیس زاده، رئیس کل سازمان نظام پزشکی کشور در نامه‌ای خطاب به سردار احمد رضا رادان، فرمانده کل ضمن تأکید بر لزوم تقویت امنیت مراکز درمانی، خواستار دلجویی و حمایت از کادر درمان شد که در حوادث اخیر دچار آسیب شد. به گزارش دیده‌بان ایران، در نامه محمد رئیس زاده آمده است: «بدین وسیله ضمن تقدیر از خدمات فداکارانه پرسنل محترم نیروی انتظامی و تمام عوامل تأمین امنیت جامعه، استدعا دارم در راستای حفظ حرمت و امنیت بی چون و چرای مراکز درمانی و نیز صیانت از شأن و کرامت کادر سلامت که پیشانی خدمتگزاری به مردم بزرگوار ایران هستند، تمهیدات حفاظتی و نظارتی ویژه‌ای اتخاذ فرمایید تا از ورود، حضور و تعقیب افراد غیر مرتبط در مراکز درمانی، ممانعت به عمل آید. بی تردید، تأمین امنیت فیزیکی و آرامش روانی این مراکز سنگ بنای ارائه خدمات درمانی مطلوب و بی وقفه به هموطنان عزیز است.»



آلودگی هوا و ناباروری

مرضیه وحیددستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت و متخصص زنان و زایمان، به ایسنا گفته امروز در سطح جهانی موضوع آلودگی هوا و ناباروری به‌عنوان یک مبحث کاملاً شناخته‌شده مطرح است که آلودگی‌های زیست محیطی بر سلامت باروری تأثیرگذار است و تأثیر آن در مردان، بیشتر از زنان است و پیشرفت مردان در این موضوع آسیب پذیرند. دبیر ستاد ملی جمعیت ادامه می دهد: «در زنان نیز آلودگی هوا می تواند بر فرآیند تخمک گذاری اثر بگذارد، اما در مردان آسیب پذیری به مراتب بالاتر است.» او ابراز امیدواری می کند که مسئولان برای کاهش آلودگی های زیست محیطی و آثار آن، چاره اندیشی های مؤثر و اساسی را در دستور کار قرار دهند. این موضوع در حالی مطرح می شود که سیاست گذاران کشور با تأکید بر افزایش نرخ فرزندآوری تلاش می کنند، آینده جمعیت ایران را افزایش دهند، اما واقعیت محیط زیستی شهرها تصویر متفاوتی از این موضوع ارائه می دهد.



خطر کوتاه‌قدی کودکان

احمد اسماعیل زاده، مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت در واکنش به اظهاراتی از مرکز پژوهش های مجلس درباره «هذرفت بودجه شیر مدارس»، با تأکید بر اثربخشی این برنامه در بهبود وضعیت تغذیه کودکان اعلام کرد: «ارزیابی اجرای شیر مدارس در سال ۱۴۰۲ نشان می دهد، کوتاه قدی دانش آموزان تا ۱/۵ درصد کاهش یافته و حذف بودجه این برنامه، تهدیدی مستقیم برای سلامت نسل آینده است.» او درباره تأثیر مصرف شیر بر کودکان گفت: «شیر، منبع اصلی پروتئین و کلسیم برای کودکانی است که در سنین رشد قدی قرار دارند. کوتاه قدی از مشکلات تغذیه‌ای در استان های کم برخوردار است؛ به همین دلیل برنامه شیر مدارس می تواند در تأمین کلسیم و پروتئین کودکان مدارس ابتدایی مناطق محروم، نقش داشته باشد. مداخله تغذیه‌ای با منابع لبنی دو تا سه بار در هفته، می تواند مشکلات تغذیه‌ای را تا حدودی مرتفع کند.»



عکس: پاشنگاه خبرنگاران جوان

گزارشی درباره حوادث و تصادفات که جان کودکان کار را در خیابان ها می گیرد و بررسی موانع قانونی حفظ امنیت آنها

مرگ های بی نام و نشان

باید مداخله گر و حامی کودک باشد: «حتی اگر چنین شرايطی را قبول ندارد، باید برای آن قوانین وضع کند، پیوست مطالعاتی ارائه دهد و این افراد در همان شرایط هم از برخی استانداردها بهره مند شود.» او نقش قوه قضائیه را در برخورد با خانواده هایی که وظایف والد بودن شان را انجام نمی دهند، مهم دانست: «نقش قوه قضائیه، حتی در ترک فعل های والدین نسبت به فرزندان فعال می شود. نقش قوه قضائیه در ترک فعل های مدیران شهری در چیدمان های شهری به نفع کودکان باید فعال شود. در نظام حقوقی ما افراد پیشرو وجود دارند و باید مطالبه ما از آنها باشد. حتی مسئولانی که حقوق کودک را رعایت نمی کنند، باید مورد بازخواست قرار گیرند.» نقره کار در ادامه گفت: «زمانی که کودکان به هردلیلی مجبور به اشتغال می شوند، باید اقداماتی برای تأمین امنیت آنها وجود داشته باشد.» او اقدام کلان در این زمینه را این دانست که کنشگران به نمایندگی از یک شخصیت حقوقی، مطالبه گر باشند، برای تحقق حقوق رفاهی تلاش کنند و فعل و ترک فعل مجاری که باید تکلیف خودشان نسبت به کودکان را انجام دهند را مورد توجه قرار دهد: «در سراسر کشور ۳۸۴ دادستان وجود دارد که موضوعات مربوط به افراد زیر ۱۸ سال باید توسط آنها پیگیری شود. براساس قوانین حمایت از اطفال و نوجوانان و مواردی که از سال ۱۳۱۴ قانون آمده، تکالیفی است که مقام های قضایی نسبت به افراد زیر ۱۸ سال دارند که در پروتکل های جهانی هم به این سن برای کودکان استناد شده است. تکالیف آنها قابل واگذاری نیست و نمی تواند به دوش نهادهای مدنی، اورژانس یا دیگر نهادهای این چنینی باشد و حاکمیتی است و باید دادستان ها آن را مورد توجه قرار دهند.» او با اشاره به جمعیت ۳۰ میلیونی زیر خط فقر در کشور گفت: «براساس آمار رسمی، در کشور ما یک سوم جمعیت زیر خط فقر زندگی می کنند. ۳۰ میلیون نفر از شهروندان در وضعیت زیر خط فقر هستند و بهره مندی آنها از امکانات رفاهی با در سمرهای جدی روبه رو است. خط فقر هم شناور است؛ چون همگام با دلار و تصمیمات مسئولان جابه جا می شود. طبیعی است که در موارد مشابه نازنین زهرا، پیش و پس از حادثه، ترک فعل های بسیاری دیده می شود. این یک امر حاکمیتی است اما مسئولیت کنشگران مدنی هم هست که در حمایت از کودکان برنامه ریزی، مطالبه گری، ترویج و تعلیم داشته باشند تا جامعه سواد ارتباط با کودک کار را پیدا کند.» او معتقد است به بخش پیش از حادثه باید توجه بیشتری شود که متوجه شهروندان نیست و نیازمند سیاست گذاری عمومی است: «این سیاست گذاری باید چندجانبه گرا، مسئله محور و ارزش محور باشد. حقوق رفاهی و رفع فقر کودک باید مورد توجه باشد و رفع فقر منتهی به رفع کار کودک می شود و این حوزه حاکمیتی است و ما در این حوزه صرفاً می توانیم مطالبه گر باشیم.» او با انتقاد از عملکرد بهزیستی، بزرگترین آسیب ها را

مورد بازخواست قرار دهد. کودکانی که نه به خواست خودشان که به خواست والدین شان پایشان به خیابان باز می شود و این نقطه شروع اضطراب های مزمنی است که در نهایت کودکی را از آنها می رباید و آنها را با تعارض های ساختاری با جامعه درگیر می کند. سازمان های مردنهاد در فقدان توجه حاکمیت به مسئله کودکان کار تلاش می کنند نقشی که آنها دارند را ایفا و خلأها را پر کنند. اما یاشار کاظمی حقوقدان بر این باور است که در نهایت آنها نمی توانند کاری که حاکمیت باید انجام دهد را پیش ببرند؛ چون قانون گذاری در اختیار نهادهای مدنی و مردم نیست و بدون قانون نمی توان مسئله کودکان کار را به سرانجام رساند. براساس آمارهای غیررسمی، سه میلیون نفر کودک کار در ایران وجود دارد که به گفته سازمان بهزیستی، بیش از ۱۲ هزار نفر آنها تحت پوشش این سازمان هستند. در استان ها و شهرهای بزرگ مثل تهران، حدود ۷۰ هزار کودک کار گزارش شده است. براساس ماده ۷۹ قانون کار، کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است اما نظارت جدی و کافی برای اجرای این قانون وجود ندارد و براساس آنچه کنشگران این حوزه می گویند، تعداد زیادی از کودکان کار در کارگاه های غیررسمی مشغول به کارند. روانشناسان می گویند، تبدیل شدن کودکان کار به اعداد و ارقام، یکی از دلایلی است که از آنها حساسیت زدایی شده و اگر روایت های آنها منتشر و قصه زندگی شان برای مردم بازگو شود، اثربخشی بیشتری از ارائه صرف آمار خواهد داشت.

▼ تعارض های ساختاری با جامعه

انجمن روشننگران فردای کودک به همین دلیل در نشست با حضور دو حقوقدان و یک روانشناس بالینی به بررسی ابعاد حقوقی این اتفاقات پرداخته است. صالح نقره کار، حقوقدان در ابتدای صحبت هایش، قانون را به پرکاری تشبیه کرد که باید دور سوزن اصلی که حق است، بچرخد: «حقوق کودک باید رفت و آمد متناسب با خودش را داشته باشد و قانون باید دور این حق بچرخد که بتواند آن را تعریف، شناسایی، تعلیم، ترویج و در نهایت هم دیده بانی کند.» به گفته او، امنیت کودک در حوزه کار یعنی منع اشکال متعدد کار کودک: «مداخله قانون به این شکل است که کودک را به مثابه کودک شناسایی می کند. در این مواقع کودک باید از استحقاق های حقوق بشری برخوردار باشد.» او معتقد است، در این وضعیت باید از حقوق شهروندی هم فراتر رفت و نگاه ها باید انسانی باشد: «کودکی که در خیابان دستفروشی و کار می کند، واقعیت است؛ هر چند ما به این مسئله ایراد بگیریم.» او با اشاره به وجود شغل هایی مانند زباله گردی گفت: «زباله گردی وجود دارد چون در آن پول وجود دارد. اقتصاد و بازار است که پدر و مادرها را به این وامی دارد که کودکان شان را به سمت زباله گردی گسیل کند.» نقره کار در ادامه توضیح می دهد که مقام اجرایی

نسیم سلطان بیگی خبرنگار گروه جامعه

نازنین زهرا محسنی ۱۰ ساله بود، بدون آنکه رنگ مدرسه را ببیند. او تنها ۲۵ روز پایان زندگی اش فرصت تحصیل داشت. یکی از همان روزهایی که در خیابان های تهران همراه پدرش گل می فروخت، با یک پرشیای سفید تصادف کرد و جانش را از دست داد. ماشین داشت به پدرش می زد و او دوبد تا پدرش را هل دهد که به ماشین نخورد. پدرش زنده ماند و کودک ۱۰ ساله او فرصت زندگی را از دست داد. نازنین در ۲۵ روز پایان عمرش در خانه ارفک شوش مشغول تحصیل شده بود. معین کامرانی، مدیرعامل انجمن روشننگران فردای کودک (ارفک) درباره روزی که همراه پدر نازنین زهرا برای تشخیص هویت به پزشک قانونی رفته بود، می گوید: «در پزشکی قانونی من همراه پدرش بودم و زمانی که اسم نازنین زهرا محسنی را صدا زدند، پدر در ابتدا از من خواست که برای تشخیص هویت بروم. او حتی برای تشخیص هویت از خودش سلب مسئولیت کرد.» او به عنوان مدیرعامل یک سازمان مردم نهاد تلاش کرده بود که مسئله مرگ نازنین زهرا را از جنبه حقوقی پیگیری و راننده را که پس از تصادف گریخته بود، پیدا کند اما پرونده تصادف نازنین زهرا در کلانتری کروکی نداشت و تنها یک شرح در پرونده موجود بود: «پدر امکان مالی و برقراری ارتباط و مطالبه گری را نداشت، از خانواده های غربت بودند و کسی به او بها نمی داد و می گفتند در نهایت دیه می خواهد.» او از کلانتری برای دسترسی به دوربین های ترافیک شهری نامه گرفت و به مرکز کنترل دوربین های شهری مراجعه کرد: «فیلم ها را به ما تحویل دادند اما موقعیت سانحه اشتباه اعلام شده بود. به همین سادگی پرونده مختومه شد. نه کلانتری، نه اورژانس و نه هیچ شهروندی موقعیت صحیح را اعلام نکرده بود و این مسئولیت پذیری را نداشت که موقعیت درست را به مرکز دوربین های شهری اعلام کند.» این در حالی است که حقوقدانان بر این باورند که در پرونده های تصادف منجر به فوت باید کلانتری پرونده را به دادسرا ارجاع دهد و مقام قضایی، پیگیری های لازم برای پیدا کردن راننده متواری انجام دهد؛ اتفاقی که در پرونده های مربوط به کودک کار و خیابان نمی افتد. نازنین زهرا تنها کودکی نیست که کودکی اش را در خیابان های شهر می فروشد و در همان خیابان ها هم جان می دهد.

کودکان کار هر روز جان شان را در مشت می گیرند و سر هر خیابان و چهارراهی دستفروشی می کنند، شیشه های ماشین را پاک می کنند و از خیابان به عنوان محل کار استفاده می کنند؛ کاری که یک روز شاید به قیمت جان شان تمام شود. آنچه در این میان فقدان اش از سوی حقوقدانان بسیار جدی به نظر می رسد، نبود قوانینی است که بتواند والدین، مدیران شهری و مسئولانی را که در انجام وظایف شان نسبت به کودکان کوتاهی می کنند،



الهیة شعبانی
روانشناس بالینی:
ما نه تنها کودکی اش را از او دریغ می کنیم، بلکه آینده را هم از او می گیریم. آنها در بزرگسالی هم توان انتخاب ندارند. نقش موثری در زندگی شان ندارند و نمی توانند برای خودشان تصمیم گیری کنند. در حقیقت رنجی که به کودک کار وارد می شود، دنباله دار و ماندگار است